

پادشاهی صلح گستر خدا

«و به این بشارتِ ملکوت در تمام عالم موعظه
خواهد شد تا بر جمیع امت‌ها شهادتی شود؛
آنگاه انتها خواهد رسید.»

پادشاهی صلح گستر خدا

دیل برکهولدر

مترجم: سپیده جبرائیل

ویراستار: امین پورکاوه

انتشارات فیض

سخن ناشر:

پاورقی‌های بسیاری در این جزوه آمده است که خواننده را به آیاتی از کلام خدا ارجاع می‌دهد. پیشنهاد می‌کنیم که در صورت امکان برای بهتر فهمیدن متن، به کتاب مقدس مراجعه کنید تا بتوانید نکات بنیادین این جزوه را که درباره پادشاهی صلح گستر خداست، درک کنید.

English Title: *The Peaceable Kingdom of God*

مقدمه

عبارت **ملکوت خدا** (پادشاهی خدا)، بارها در بخش‌های مختلف کتاب مقدس آمده است. در این جزوه می‌خواهیم به بررسی معنای واقعی این اصطلاح بپردازیم و دقیقاً طبق کلام خدا به پیش رویم. برای درک بهتر این مطلب، آن را تحت چهار عنوان مطالعه خواهیم کرد، چرا که ملکوت خدا جنبه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد: (۱) طبیعت ملکوت خدا به طور فرداً فرد در قلب و زندگی هر ایماندار؛ (۲) ملکوتی که با گردهم‌آیی و اجتماع ایمانداران با یکدیگر در یک محل، تجسم می‌یابد؛ (۳) ملکوت جهانی و فراگیر خدا که به جهت نجات تمام دنیا در گسترش است؛ و در نهایت (۴) ملکوت آسمانی و جاودانی آینده.

وقتی که راجع به **پادشاهی خدا** صحبت می‌کنیم، منظور آن نوع سلطنتی نیست که به مدد تسلیحات مخرب و کشنده استقرار می‌یابد بلکه منظورمان سلطنت روحانی عیسی مسیح است. عیسی مسیح سرور و خداوند کسانیست که به او ایمان دارند و او را پیروی می‌کنند، او در قلب و زندگی آنها ساکن است. آنها در چنین سلطنتی از هرگونه جنگ و نزاع

بی‌نیاز خواهند بود.^۱ شهروندان ملکوت خدا برای احقاق حقوق خود به دادگاه نمی‌روند بلکه ترجیح می‌دهند خود در این میان مغبون شوند.^۲ آنها سعی می‌کنند حتی‌الامکان مطیع دولت‌های مطبوع کشور خود باشند و تا جائیکه قوانین کشور، آنها را از تبعیت قوانین شهروندی ملکوت باز نمی‌دارد، تابع قوانین هستند.^۳

اگر شما هنوز ملکوت خدا را تجربه نکرده‌اید، آرزوی ما این است که با تولدی دوباره به عضویت این جمع درآئید. ممکن است با خود فکر کنید: «این حرفها چیست؟ من چگونه می‌توانم دوباره متولد شوم؟» ۲۰۰۰ سال پیش، مردی دقیقاً همین سؤال را از عیسی پرسید. امید است که شما با خواندن این جزوه بتوانید درک کنید که معنای تولد دوباره چیست.

و اگر شما قبلاً با تولد دوباره شهروند ملکوت خدا شده‌اید، خدا شما را در سفر روحانیتان برکت بدهد. باشد که در راه رفتنتان با خدا الهام تازه‌ای بیابید و جایگاه خود را در پادشاهی حال و آینده خدا بهتر درک کنید.

^۱ میکاه ۳:۴؛ متی ۵۲:۲۶؛ دوم قرن‌تین ۴:۱۰؛ لوقا ۳:۱۴

^۲ متی ۲۵:۵، ۴۰؛ لوقا ۱۲:۵۸؛ عبرانیان ۳۴:۱۰

^۳ رومیان ۱۳:۱-۷؛ اعمال رسولان ۴:۱۸-۲۰

«پس شما اینطور دعا کنید: ای پدر ما که در آسمانی،
نام تو مقدس باد، ملکوت تو بیاید، اراده تو چنان که در
آسمان است، بر زمین نیز کرده شود. نان کفاف ما را امروز
به ما بده. قرض‌های ما را ببخش، چنانکه ما نیز قرضداران
خود را می‌بخشیم. ما را در آزمایش میاور بلکه از شریر
رهایی ده. زیرا ملکوت و قوت و جلال، تا ابدالابد از آن
توست. آمین» (متی ۶: ۹-۱۳).

۱. «ملکوت خدا در درون شماست»

بعضی افراد فکر می‌کنند که مذهب از قدرتی سیاسی در این دنیا برخوردار است، این حقیقت دارد که خیلی وقت‌ها از مذهب برای پیشبرد اهداف سیاسی استفاده شده است. چه جنگ‌های خانمان‌سوزی که در نام مذهب به پا نشده است. بسیاری از مردم همیشه بر این امیدند که بالاخره روزی خواهد رسید که دولتی بی‌عیب و نقص بر سر کار بیاید و همه مردم به نهایت رضایت برسند اما متأسفانه کسانی که امید خود را به سیاست دنیوی می‌بندند، در نهایت شدیداً ناامید خواهند شد.

۲۰۰۰ سال پیش وقتی که مسیح پا به این دنیا نهاد، بعضی افراد گمان بردند که او می‌خواهد حکومت سیاسی تشکیل دهد. ولی مسیح آشکارا اعلام کرد که به جهت انجام چنین کاری نیامده است. روزی عده‌ای از او پرسیدند که پادشاهی خدا از چه زمانی آغاز می‌شود، او به آنها گفت: «پادشاهی خدا به چشم سر دیده نمی‌شود: شما نمی‌توانید

بگویید که "نگاه کن! پادشاهی خدا اینجا و یا آنجاست!" آگاه باشید! زیرا که پادشاهی خدا در درون شماست.»^۱

چگونه پادشاهی خدا می‌تواند در درون شخصی باشد؟

دوباره برای بررسی موضوع از سخنان عیسی مثال می‌آوریم: «تا شخصی از سر نو مولود نشده باشد، نمی‌تواند ملکوت خدا را ببیند.»^۲ عیسی این جمله را در جواب به نیکودیموس گفت. این مرد سئوالی را از مسیح پرسید که ممکن است به فکر هر کسی برسد: «انسان چگونه می‌تواند دوباره متولد شود در حالی که دیگر پیر شده است؟ آیا امکان دارد که دوباره به رحم مادر برگردد و از سر نو متولد شود؟»^۳ عیسی جواب داد: «آمین آمین به تو می‌گویم که تا از آب و روح متولد نشوی، قادر نخواهی بود وارد ملکوت خدا گردی.»^۴

یکی از انبیاء، سال‌ها پیش نبوت کرده بود که: «روح تازه‌ای در ابنای بشر خواهم ریخت و قلب تازه‌ای به شما

^۱ لوقا ۱۷: ۲۰، ۲۱

^۲ یوحنا ۳: ۳

^۳ یوحنا ۴: ۳

^۴ یوحنا ۵: ۳

خواهم بخشید: قلب سنگی شما را تبدیل خواهم کرد و قلب‌های گوشتی در جایش خواهم گذاشت.»^۱ کلمات ساده عیسی و آن نبی حکایت از وقوع معجزه‌ای دارند که قلب و زندگی را تبدیل می‌کند.

هنگامی که شخصی در حضور خدا و انسان از گناهان خود توبه می‌کند و به کفاره خون عیسی اعتماد می‌کند، به محض دریافت قلبی این موضوع از گناهان خود طاهر می‌شود.^۲ او دیگر بار جرم گناه خود را بر دوش نخواهد کشید؛ و از قید آن آزاد خواهد بود. چنین شخصی در ملکوت روحانی «تولد» یافته است. هر کسی که حقیقتاً ایمان آورد و اعتراف کند^۳ که عیسی مسیح پسر خدا و نجات دهنده دنیاست، طبیعت آسمانی و مقدس^۴ خدا را توسط روحش^۵ دریافت می‌کند. (عیسی پسر خداست. بدین صورت

«هر که ایمان آورده،
تعمید یابد نجات یابد»
(مرقس ۱۶: ۱۶).

^۱ حزقیال ۳۶: ۲۶
^۲ اول تیموتائوس ۳: ۹؛ تیطوس ۱: ۱۵؛ عبرانیان ۹: ۱۴؛ ۱۰: ۲۲؛
 ۱۳: ۱۸؛ اول پطرس ۳: ۱۶
^۳ لوقا ۱۲: ۸
^۴ دوم پطرس ۱: ۴
^۵ اول قرنتیان ۶: ۹-۱۱

که به طرز معجزه آسایی به قوت خدا در وجود مریم باکره قرار گرفت و متولد شد. زیرا این تنها طریقی بود که خدا می توانست توسط آن جسم بی پوشد، پا به دنیا نهد و در عین حال در مقام پادشاهی بر تخت خود بنشیند.^۱ تبدیلی که در اثر دریافت طبیعت الهی در شخص پدید می آید، آن قدر شدید است که از آن تحت عنوان «تولد دوباره» یاد می شود.^۲ چنین شخصی از اسارت سلطه ظلمت به حیات پادشاهی پسر عزیز خدا منتقل می شود.^۳

سلطه ظلمت و اعمال ذات شریر انسانی بر بعضی افراد به طرز شدیدی حکومت می کند. زنا و روابط جنسی نامشروع، هر گونه شهوت و امیال جنسی کثیف از جمله این اعمال هستند. همچنین بت پرستی و جادوگری. نیروهای ظلمت، انسان ها را با دشمنی، خشم، نفرت و کینه توزی به جان هم می اندازند. مذهب های دروغین و آئین های غلطی که بر ضد قوانین خوب کشورها طغیان می کنند، همه از نیروهای ظلمت قوت می گیرند. قتل، میخوارگی، ضیافت های

^۱ لوقا ۱: ۲۸-۳۵

^۲ یوحنا ۳: ۳، ۷؛ اول پطرس ۱: ۲۳

^۳ کولسیان ۱: ۱۳

گناه‌آلود زاییده تمایلات جسمانی هستند و توسط پادشاهی این دنیا کنترل می‌شوند. پادشاهی دنیا، همان پادشاهی شیطان یا شریر است. کسانی که مرتکب چنین اعمالی می‌شوند، قادر نخواهند بود که وارد ملکوت خدا شوند، مگر این‌که از سر نو متولد و توسط روح خدا متبدل شوند.^۱ (روح، تجلی همان خدایست که از وقتی عیسی دنیا را ترک و به آسمان صعود کرد، امروز در این دنیا کار می‌کند).^۲ حتی عشق به پول^۳ و قدرت در پادشاهی خدا جایی ندارد.^۴ تمام انسان‌های دنیا به نوعی قوانین الهی را زیر پا گذاشته‌اند. در بین انسان‌ها یک نفر هم پیدا نخواهد شد که عادل باشد. همه ما مرتکب گناه شده‌ایم.^۵

ثمره روح در مقایسه با ثمره جسم، چیزی بسیار متفاوت است. این میوه در کسانی یافت می‌شود که در مسیح عیسی نسبت به امیال جسمانی خود مرده‌اند^۶ و توسط روح خدا از

^۱ غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱

^۲ یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۸، ۲۶؛ یوحنا ۱۵: ۲۶، ۲۷؛ یوحنا ۱۶: ۷، ۸

^۳ اول تیموتائوس ۶: ۱۰

^۴ سوم یوحنا ۹؛ متی ۲۵: ۲۰-۲۸؛ مرقس ۱۰: ۴۲-۴۵؛ لوقا ۲۲: ۲۴-۲۷

^۵ رومیان ۳: ۱۰

^۶ یوحنا ۱۲: ۲۴، ۲۵

سر نو تبدیل شده‌اند. این ثمرات محبت، خوشی، صلح، سلامتی، آرامش، نیکویی، ایمان، صبر و بردباریست. در پادشاهی خدا هیچ قانونی به ضد چنین چیزهایی نیست! کسانی که پیروان چنین ایده‌ای هستند، دیگر در پی هوس‌های شخصی خود نخواهند بود. آنها دیگر به ضد یکدیگر و در جهت دشمنی با دیگران نخواهند بود.^۱ پادشاهی خدا، سلطنت عدالت، صلح و شادمانیست.^۲

پادشاهی خدا، سلطنت صلح و آرامیست.

پادشاهی خدا از نظر صلح و آرامی با هیچ یک از حکومت‌ها و دولت‌های این دنیا قابل مقایسه نیست. در این دنیا فقط دو نوع حکومت روحانی وجود دارد: پادشاهی شیطان و پادشاهی خدا.^۳ حقیقتاً تضاد بسیار بزرگی بین این دو جبهه وجود دارد و امکان ندارد که بتوان در آن واحد عضو هر دو جبهه بود. در واقع این تضاد به قدری زیاد است که اکثر اوقات مردم این دنیا فکر می‌کنند پیروان مسیح خیلی

^۱ غلاطیان ۵: ۲۲-۲۶

^۲ رومیان ۱۴: ۱۷

^۳ متی ۱۲: ۲۴-۲۸؛ لوقا ۱۱: ۱۴-۲۰

عجیب و غریب هستند. آنها تصور می‌کنند که شرکت نکردن مسیحیان در مسائل سیاسی، اجتماعی و ضیافت‌های آنچنانی آنها امری عجیب و غریب است. خیلی اوقات آنها با لحن بدی درباره پیروان عیسی صحبت می‌کنند،^۱ ولی ساکنان ملکوت مسیح می‌دانند که حتی به رهبر آنها تهمت‌های بسیار زشتی زده شد. با این وجود هنگامی که عیسی قدرت و اختیار داشت، آنها را به سزای اعمالشان نرسانید. وقتی رنج می‌کشید، آنانی را که به او آسیب رسانیدند، تهدید نکرد. او خود را به پدر آسمانی که داور نهایی همه انسان‌هاست، سپرد.^۲

عیسی اجازه داد که آنها او را بر صلیبی به میخ بکشند.^۳ او آنقدر مردم دنیا را محبت نمود که حاضر شد خونس در قربانگاه، بر صلیبی ریخته شود تا ما را از گناهان جسمان، پاک بشوید. خون مقدس او قدرت دارد تا قلب‌های انسان‌های گناهکار را برگرداند. ما توسط زخم‌های او شفا یافته‌ایم.^۴ او

^۱ اول پطرس ۴:۴

^۲ اول پطرس ۲:۲۳

^۳ متی ۲۷؛ مرقس ۱۵؛ لوقا ۲۳؛ یوحنا ۱۹

^۴ اول پطرس ۲:۲۴

از مردگان قیام کرده است،^۱ و به نزد پدر صعود نموده،^۲ و اکنون شبان و رهبر گله‌ایست که در حضور او با فروتنی

حاضرند و اعتمادشان را بر وی قرار می‌دهند.^۳ او توسط روحش در قلب‌های آنها ساکن می‌شود^۴ «زیرا خدا واحد است و در میان خدا و انسان يك متوسطی است

«زیرا خدا واحد است
و در میان خدا و
انسان يك متوسطی
است یعنی انسانی که
مسیح عیسی باشد.»
(اول تیموتاس ۲: ۵)

یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد.»^۵ پیروان عیسی دعا‌های خود را به واسطه عیسی به حضور خدا می‌برند. عیسی به شاگردان خود آموخت که بدین طور دعا کنند: «ملکوت تو بیاید. اراده تو چنان که در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود.»^۶ هنگامی که عیسی بر قلب و زندگی پیروانش سلطنت می‌کند، در واقع پادشاهی خدا بر روی زمین جریان می‌یابد.

^۱ متی ۲۸: ۶

^۲ اعمال رسولان ۹: ۱

^۳ اول پطرس ۲: ۲۲-۲۵

^۴ غلاطیان ۴: ۶

^۵ اول تیموتائوس ۲: ۵

^۶ متی ۶: ۱۰

هر سلطنتی، درست مثل دولتهای زمینی، صاحب
پادشاه یا فرمانروای است. حکومت و دولت در پادشاهی خدا
به چه صورت است؟ این موضوع ما را در پادشاهی خدا به
این نقطه می‌رساند که...

۲. گردهم‌آیی‌های محلی ایمانداران با یکدیگر

کسی که تولد تازه را تجربه کرده است، مشتاق وقت گذراندن با دیگر ایمانداران خواهد شد. او علاقه خواهد داشت که با آنها کتاب مقدس بخواند،^۱ دعا کند^۲ و سرود بخواند،^۳ و خداوند و نجات دهنده‌اش را بپرستد.^۴ برای افزودن دانش خود درباره خدا، درست مثل بچه‌ای که تازه به دنیا آمده است و مشتاق شیر است، مشتاق کتاب مقدس که همان کلام خداست، خواهد بود تا بتواند در رابطه‌اش با خدا رشد کند.^۵ وقت گذراندن با سایر ایمانداران به جهت مشارکت و تعلیم، کمک بزرگی در جهت ثابت قدم ماندن در ایمان است.^۶

گروه‌هایی که توسط خدا خوانده شده‌اند تا از این دنیای شریر جدا شوند و به خدا تخصیص یابند، کلیسا نام دارند.^۷ این کلیساها بعد از این که مسیح به آسمان صعود نمود، در

^۱ کولسیان ۱۶:۴؛ اول تسالونیکیان ۵:۲۷

^۲ اعمال رسولان ۱:۱۴؛ ۱۲:۵-۱۲

^۳ اول قرنتیان ۱۴:۱۵

^۴ اعمال رسولان ۲۰:۷

^۵ اول پطرس ۲:۲

^۶ اعمال رسولان ۲:۴۲

^۷ اعمال رسولان ۱۶:۵؛ عبرانیان ۱۲:۲۲-۲۴

روز پنطیکاست تشکیل شدند. آنها تا به امروز پایدار بوده‌اند و تا آخرین روز دنیا نیز پایدار خواهند بود. عیسی گفت: «اینک کلیسای خود را بنا می‌نهم؛ و دروازه‌های جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت.»^۱

سال‌ها پیش نویسنده‌ای در مورد این مطلب چنین گفت:

«همانطور که ماه همیشه در حقیقت قرص کامل است اما به چشم ما زمینیان گاهی کامل و گاهی حلال دیده می‌شود و بعضی اوقات نیز کاملاً از نظرها پنهان می‌شود و به حالت خسوف در می‌آید، کلیسای خدا نیز بر روی زمین به همین گونه آشکار و نهان می‌گردد. یعنی هر چند که هرگز به طور کامل نابود نمی‌شود ولی همیشه درخشش خود را به صورت قرص کامل به نمایش نمی‌گذارد؛ بلکه، گاهی اوقات به نظر می‌رسد که کاملاً از دیده‌ها پنهان شده است، در حالی که هنوز وجود دارد، و فقط محض خاطر عده‌ای سودجو که به علت نفع شخصی یا دسته‌ای علل و عوامل، دستورات واضح و مبرهن خدا را به باد فراموشی سپرده‌اند یا به

^۱ متی ۱۶:۱۸

علت بدعت‌ها و تعالیم غلط، ایمانداران واقعی از آشکار نمودن ایمانشان و پرستش آزادانه خداوند منحرف یا بازداشته شده‌اند و یا به علت جفا، خشونت و شکنجه دست از ایمان شسته‌اند یا برگزیدگان ثابت قدم به تارک دنیایی و رهبانیت در نقاط دور افتاده پناه برده‌اند و سعی کرده‌اند که از اجتماعات معمولی انسان‌ها بگریزند و خود را در جنگل‌ها و بیابان‌ها پنهان سازند؛ بنابراین ماهیت این نور و تأثیر آن بر چشم‌های دنیا نتابیده و از آن بدتر، دنیای معمولی به شناخت آن دست نیافته است.^۱

برخی از مشخصه‌های کلیساهای واقعی چیست؟

عیسی، شبان اعظم گوسفندان (کلیسا)^۲ فرموده است: «ترسان مباشید ای گله کوچک! زیرا که خواست پدر، ورود شما به ملکوت اوست.»^۳ گله کوچک، پیروان حقیقی عیسی، همواره گروه بسیار کوچکی بوده‌اند. عیسی گفت که راهی که به ملکوت ختم می‌شود، بسیار باریک است و افراد کمی

^۱ تیلمن جی. وان برات آنینه شهیدان، صفحات ۲۴، ۲۵

^۲ عبرانیان ۱۳: ۲۰

^۳ لوقا ۱۲: ۳۲

رهرو آن هستند و راهی که به هلاکت ختم می‌شود، بسیار فراخ است و رهروان آن بسیارند. پس تنها دو راه وجود دارد.^۱

زندگی اعضای این کلیساها با شیوه زندگی گناهکاران بی‌خدا کاملاً در تضاد است، گویی که آنها کاملاً در دنیای

دیگری زندگی می‌کنند.^۲ آنها دائماً نیازهای نفس خود را انکار می‌کنند زیرا ذهن آنها به گونه‌ای تبدیل شده است که با اراده خدا هم رأی شده است، آنها اعمال بی‌دینی این دنیا را به عمل نمی‌آورند.^۳ آنها پیمان ازدواج خود را

«از در تنگ داخل شوید .
زیرا فراخ است آن در و
وسیع است آن طریقی که
مؤدّی به هلاکت است و
آنانی که بدان داخل می‌شوند
بسیارند. زیرا تنگ است آن
در و دشوار است آن
طریقی که مؤدّی به حیات
است و یابندگان آن کم‌اند»
(متی ۷: ۱۳، ۱۴)

در تقدس حفظ می‌کنند و به نقشه ازلی خدا برای زن و مرد که باید تا آخر عمر به هم وفادار بمانند، جامه عمل

^۱ متی ۷: ۱۳، ۱۴

^۲ دوم قرنتیان ۶: ۱۷

^۳ رومیان ۱۲: ۲

می‌پوشانند.^۱ آنها نسبت به زیبایی ظاهری بی‌اعتنا هستند.^۲ معمولی‌ترین لباس‌ها را به تن می‌کنند^۳ و خود را به زیور روح حلیم و دل آرام می‌آریند که در نظر خدا از ارزش بسیار بالایی برخوردار است.^۴ صداقت پیشه‌اند^۵ و از دروغ می‌پرهیزند.^۶ به یکدیگر عشق می‌ورزند،^۷ حتی دشمنانشان را دوست می‌دارند با کسانی که از آنها متنفرد به نیکویی رفتار می‌کنند.^۸ آنها می‌دانند که آنچه دارند، هدیه‌ای از جانب خداست،^۹ و در وقت نیاز به راحتی دارای‌یشان را با هم قسمت می‌کنند.^{۱۰} به خاطر عشقی که به شبان و پادشاه خود دارند همواره در اندیشه اجرای فرمان‌های او هستند، زیرا عیسی گفت: «چرا مرا خداوندا، خداوندا، می‌خوانید ولی آنچه

^۱ متی ۱۹: ۳-۶

^۲ اول پطرس ۳: ۳

^۳ اول تیموتائوس ۲: ۹

^۴ اول پطرس ۳: ۴

^۵ رومیان ۱۲: ۱۷

^۶ کولسیان ۳: ۹؛ مکاشفه ۲۱: ۸

^۷ یوحنا ۱۳: ۳۵

^۸ متی ۵: ۴۴

^۹ اول تیموتائوس ۶: ۱۷

^{۱۰} اعمال رسولان ۴: ۳۲؛ رومیان ۱۵: ۲۶

به شما می‌گویم به عمل نمی‌آورید؟»^۱ گله کوچک، ایمان دارد که کلام خدا توسط الهام الهی به ما داده شده است و باید از آن برای تعلیم و تنبیه در طریق عدالت استفاده شود.^۲ آنها با اشتیاق خالص می‌خواهند بخشی از ملکوت آسمانی و جاودانی خدا باشند پس با تمام وجود تعلیمات کلام خدا را اطاعت خواهند کرد.^۳

کسانی که در این راه باریک قدم برمی‌دارند، معمولاً

«و همه کسانی که
می‌خواهند در مسیح عیسی
به دینداری زیست کنند،
زحمت خواهند کشید.»
(دوم تیموتائوس ۳: ۱۲)

توسط دیگران مورد جفا و
تمسخر واقع خواهند شد.^۴ با
این وجود برکت عظیمی در
این جفا نهفته است، زیرا
عیسی گفت: «خوشابحال

زحمت‌کشان عدالت، زیرا که ملکوت آسمان از آن ایشان
است.»^۵ مادری که به خاطر ایمانش در زندان بود، از زندان
نامه‌ای برای پسرش نوشت. او می‌دانست که به زودی اعدام

^۱ لوقا ۶: ۴۶

^۲ دوم تیموتائوس ۳: ۱۶

^۳ مکاشفه ۲۲: ۱۴

^۴ دوم تیموتائوس ۳: ۱۲

^۵ متی ۵: ۱۰

خواهد شد پس می‌خواست قبل از مرگ به پسرش نکاتی را گوشزد کند. او می‌خواست پسرش عضوی از ملکوت خدا شود و با یک کلیسای واقعی در ارتباط باشد، پس اینطور نوشت:

«بنابر این اگر می‌خواهی به سرزمین مقدس قدم بگذاری و به میراث مقدسین دست بیابی، شیرهای درونت را مهار

کن،^۱ و از عقب آنها بشتاب؛ کتب را تفحص کن، و آنها راه درست را به تو نشان خواهند داد... به هوش باش پسر! این طریق به هیچ وجه آسان نیست؛ و هیچ میان‌بر یا راه آسان‌تری هم برای انتخاب وجود ندارد؛ هر کسی که به چپ یا راست طریق منحرف

آگاه باش که عده بسیار معدودی این راه را کشف کرده‌اند و حتی رهروان این راه از یابندگان آن نیز کمتر بوده‌اند؛ زیرا افرادی هستند که به حقیقت دریافته‌اند که این طریق حیات است اما آن را بسیار دشوار یافته‌اند چون مملو از ریاضت‌های گوناگون است.

شود، به هلاکت خواهد رسید. آگاه باش که عده بسیار معدودی این راه را کشف کرده‌اند و حتی رهروان این راه از

^۱ لوقا ۱۲: ۳۵

یابندگان آن نیز کمتر بوده‌اند؛ زیرا افرادی هستند که به حقیقت دریافته‌اند که این طریق حیات است اما آن را بسیار دشوار یافته‌اند چون مملو از ریاضت‌های گوناگون است.

«بنابراین، فرزندانم! به جمعیت‌های بزرگ اطرافت توجه نکن و به راه‌های آنها نرو. پایهایت را از طریق آنها دور نگاه دار، چرا که به جهنم ختم می‌شود، همانطور که گوسفندی به سوی سلاخ می‌رود... ولی هر جا که شنیدی صحبت از گله‌ای کوچک، ساده و مطرود است (لوقا ۱۲: ۳۲)، که از نظر دنیا رد شده و منفور است، به آن بپیوند؛ زیرا هر جا که صحبت از مسیح است، حضور صلیب در آنجاست، آنجاست که می‌توانی فرمان‌های او را به عمل آوری. تمام سخنانش را مد نظر داشته باش و به عمل آور... به آنچه خدا به تو فرمان می‌دهد، دقت کن و بدنت را به جهت خدمت به او مقدس نگاه دار، تا نامش در تو تقدیس شود و حمد و جلال یابد. از اقرار نام او در حضور دیگران شرم‌منده نباش؛ از انسان‌ها نترس؛ ترجیح بده جاننت را فدا سازی تا اینکه بخواهی از حقیقت چشم‌پوشی کنی. اگر جاننت را از

دست بدهی که در بدنی خاکی قرار گرفته است، خداوند خدای تو، بدنی بهتر در فردوس برین برایت مهیا ساخته است.»^۱

رهبر چنین گروهی از افراد چه ویژگی‌هایی دارد؟

عیسی هم شبان^۲ و هم پادشاه^۳ ایمانداران است. مسئولیت دولت ملکوت خدا بر شانه‌های^۴ اوست. عیسی، سر است و ایمانداران، بدن او هستند، این یعنی کلیسا.^۵ وقتی عیسی به آسمان بازگشت، به انسان‌ها عطایایی بخشید. این بدان معناست که او به خادمینی که روی زمین به جا گذاشت، قدرت داد تا در کلیسا به عنوان رسولان، انبیاء، مبشران، شبانان و معلمین خدمت کنند. او برای تکمیل مقدسین این کار را انجام داد، تا بدن مسیح را مجهز بسازد.^۶ در طول غیبت عیسی، زمانی که او در آسمان، در حضور پدر است، آنانی که اکنون شهروندان ملکوت مسیح هستند، به عنوان سفیران

^۱ آئینه شهیدان، صفحات ۴۵۳، ۴۵۴. فقها، نامه‌ای از آنا راتردام به

پسرش ایسایا در سال ۱۵۳۹

^۲ یوحنا ۱۰:۱۱

^۳ یوحنا ۱۸:۳۷

^۴ اشعیا: ۶:۹

^۵ کولسیان ۱:۱۸

^۶ افسسیان ۴:۱۱، ۱۲

او مشغول خدمت هستند. آنها انسان‌های دیگر را به آشتی با خدا دعوت می‌کنند.^۱

«پس برای مسیح ایلچی
هستیم که گویا خدا به
زبان ما وعظ می‌کند پس
بخاطر مسیح استدعا
می‌کنیم که با خدا
مصالحه کنید»
(دوم قرنتیان ۵: ۲۰)

برای رسیدگی به وضعیت
رهبری کلیساهای امروز،
نمونه‌ای داریم که در زمان
کلیسای رسولان^۲ شکل گرفته
است. عیسی در طول حیات
زمینی خود دوازده نفر را

برگزید تا به جهت موعظه در نام او بروند.^۳ هنگامی که
یهودا یکی از آن دوازده که به عنوان شاگرد انتخاب شده بود،
دست به خودکشی زد، کلیسا مرد دیگری را به جای او
انتخاب کرد.^۴ هنگامی که بیوه زنان کلیسا در نیاز بودند و
کسی نبود که به وضعیت آنها رسیدگی کند، کلیسا، عده‌ای از
شماسان را به برآوردن نیازهای آنان گماشت.^۵ این مردان از

^۱ دوم قرنتیان ۵: ۲۰

^۲ منظور ما از «کلیسای رسولان»، کلیسایی است که در آن رسولانی
که شخصاً شاهدان زندگی مسیح بودند، هنوز زنده بودند.

^۳ مرقس ۱۴: ۳

^۴ اعمال رسولان ۱: ۱۶-۲۶

^۵ اعمال رسولان ۶: ۱-۶

میان اعضای کلیسای محلی انتخاب شده بودند. چون کلیسا رو به رشد و گسترش نهاد، نیاز به حضور رهبران بیشتر شد و آنان با هدایت روح القدس افراد بیشتری را به این مهم گماردند و تحت تعلیم قرار دادند. در هر شهر، عده‌ای به عنوان مشایخ تعیین می‌شدند.^۱ با چنین روشی، در هر کلیسا، تعداد رهبران برای رسیدگی به نیازهای کلیسا کافی بود و آنها می‌توانستند در جاهایی که هنوز نام مسیح اعلام نشده بود، به تبشیر بپردازند.^۲ امروز ما با مراجعه به این نمونه‌ها می‌توانیم بدانیم که چطور باید کلیساها توسط رهبران اداره شوند.

رهبران باید از هر نظر برای گله خود الگو و نمونه

«و هر که می‌خواهد در
میان شما اول باشد، باید
غلام شما گردد»
(متی ۲۰:۲۷)

باشند. آنها نباید مثل ارباب رفتار کنند^۳ یا به طرز خودخواهانه‌ای بر دیگران ریاست کنند، بلکه باید همچون

خادمین و مبشران نیکوکار عمل کنند. کاملاً واضح است که رهبری مسیحی مقامی نیست که با فشار و رقابت به دست

^۱ تیطس ۱:۵

^۲ اعمال رسولان ۱۳:۱-۴

^۳ اول پطرس ۵:۳

بیايد.^۱ فقط مردان (نه زنان) حق دارند به جهت اتخاذ چنین مسئولیتی انتخاب شوند. زنان می‌توانند در فعالیت‌هایی مانند سرایش سرودها و رسیدگی به امور کانون شادی و جوانان شرکت کنند. ولی وقتی که در جماعت مؤمنین حاضر می‌شوند، درست نیست که در حضور مردان، موعظه کنند یا در مقام ریاست بر مردان قرار بگیرند.^۲

این افراد در کجا گرد هم می‌آیند؟

در زمان کلیسای رسولان، افراد اکثر اوقات در خانه یکدیگر جمع می‌شدند.^۳ امروزه نیز ایمانداران در خانه‌های یکدیگر یا در خانه‌هایی که به طور مخصوص برای این هدف ساخته شده است، جمع می‌شوند. برای پرستش خدا نیازی به ساختمان گران‌قیمت و پرشکوه نیست. خدا در بناهایی که به دست انسان ساخته شده است، ساکن نمی‌شود. زیبایی کار دست انسان در اثرات هنری، نقاشی، مجسمه‌سازی، یا حتی صلیب و شمع، مبنایی برای حمد و

^۱ متی ۲۸:۲۰-۲۸

^۲ اول قرننتیان ۱۴:۳۴، ۳۵؛ تیموتائوس ۲:۱۲؛ اول قرننتیان ۱۱:۱-۳

^۳ رومیان ۱۶:۵؛ اول قرننتیان ۱۶:۱۹

پرستش خدا نیست.^۱ کلیسا در زمان جفاهای خیلی شدید، در جنگل‌ها، مغاره‌ها یا بیابان‌ها تشکیل می‌شد. محل پرستش از چندان اهمیتی برخوردار نیست. عیسی گفت: «ساعتی خواهد رسید، بلکه اکنون رسیده است که پرستندگان حقیقی پدر، او را به روح و راستی خواهند پرستید، زیرا خدا روح است و آنانی که مشتاق پرستش او هستند، باید او را به روح و راستی پرستند.»^۲ او همچنین گفت: «زیرا که هر گاه دو یا سه نفر در نام من جمع شوند، من در میان آنها حاضر خواهم بود.»^۳

مراسم عبادتی آنها به چه صورت اجرا می‌شود؟

مراسم عبادتی معمولاً شامل سرایش سرودها،^۴ مطالعه بخش‌هایی از کلام و تفحص آن (موعظه)،^۵ و دعا کردن است.^۶ ممکن است تدریس کتاب مقدس در سطح کودکان نیز در مراسم گنجانیده شود [تعلیم کودکان در کانون شادی].

^۱ اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۹

^۲ یوحنا ۴: ۲۳، ۲۴

^۳ متی ۱۸: ۲۰

^۴ افسسیان ۵: ۱۹؛ کولسیان ۳: ۱۶

^۵ اول تسالونیکیان ۵: ۲۷؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲

^۶ اول تیموتائوس ۲: ۸

دیگران ممکن است درباره حقیقت اعلام شده، شهاداتی بدهند. پس برادران، بدین صورت کتب مختلف کلام را مورد تفحص قرار می‌دهند و آن را برای به کار بردن در زندگی روزمره بررسی می‌کنند. تمام مراحل پرستش باید همراه با روح نظم و به شایستگی اجرا شود و نه با احساسات شدید و از حد به در شده.^۱

چه کسانی می‌توانند در این اجتماعات حضور به هم رسانند؟

«زیرا که چون بر حسب حکمت خدا، جهان از حکمت خود به معرفت خدا نرسید، خدا رضا بدین داد که بوسیله جهالت موعظه، ایمانداران را نجات بخشد» (اول قرن‌تینان ۱: ۲۱)	هر کسی که مشتاق شنیدن کلام خدا باشد، می‌تواند برای شنیدن موعظه در این جمع حاضر شود. طرح خدا این است که پیغام نجات او از طریق موعظه
--	---

کلامش به گوش انسان‌ها برسد.^۲ بسیاری افراد از همین طریق به گناه خود ملزم شده‌اند و به سوی عیسی مسیح هدایت شده‌اند.

^۱ اول قرن‌تینان ۱۴: ۴۰

^۲ اول قرن‌تینان ۱: ۲۱

چطور شخص می‌تواند به عضویت کلیسای محلی خود درآید؟

طرح خدا این است که افرادی که تولد دوباره یافته‌اند، از طریق تعمید آب به کلیسا بپیوندند.^۱ تعمید شهادتی در حضور خدا و انسان بر این مبناست که شخصی از زندگی گناه‌آلود گذشته خود دست شسته و متعهد به زیستن حیاتی نو شده است.^۲ یعنی او در مسیح عیسی خلقتی تازه است. چیزهای کهنه در گذشته و همه چیز تازه شده است،^۳ اکنون او حاضر است به جای این که لذت اندک زمانی، گناه را ببرد، ترجیح می‌دهد مورد جفا قرار بگیرد و عضوی از قوم خدا باشد.^۴ تعمید یافتن، پاسخی نیکو در قبال امتحان ضمیر صالح در حضور خداست،^۵ و نمادی از فروریختن (تعمید) روح القدس است.^۶

^۱ اعمال رسولان ۴۱:۲

^۲ رومیان ۴:۶

^۳ دوم قرنتیان ۵:۱۷

^۴ عبرانیان ۱۱:۲۵

^۵ اول پطرس ۳:۲۱

^۶ متی ۳:۱۱؛ مرقس ۸:۱؛ لوقا ۳:۱۶؛ یوحنا ۱:۳۳؛ اعمال رسولان

۱۷:۲، ۱۸، ۳۸، ۴۷:۱۰

این افراد به چه نامی خوانده می‌شوند؟

در زمان کلیسای رسولان، یکی از مبشران به نام برنابا، مردی نیک و پر از روح‌القدس بود. او برای جمع ایمانداران

انطاکیه موعظه می‌نمود و برای آنها دلیل می‌آورد که باید از صمیم دل خود را به خداوند بسپارند. بسیاری توسط موعظه‌های او به

«و شاگردان نخست در انطاکیه به مسیحی مسمی شدند»
(اعمال ۱۱: ۲۶)

عیسی مسیح ایمان آوردند. بعد از مدتی شائول (که بعدها پولس نامیده شد) به آنجا آمد و به برنابا پیوست. هر دوی آنها به مدت یک سال در کلیسای انطاکیه فعالیت می‌کردند و به بسیاری از افراد تعلیم دادند. در این شهر بود که ایمانداران برای اولین بار به نام مسیحی خوانده شدند.^۱

لغت مسیحی به معنای پیرو مسیح بودن یا مثل مسیح بودن است. شخصی که از این لغت برای تعیین هویت خود استفاده می‌کند باید خیلی مواظب باشد. روش درست به کار بردن این کلمه فقط در صورتی است که شخص، تولد دوباره را تجربه کرده و زندگی‌اش را به عیسی مسیح خداوند سپرده

^۱ اعمال رسولان ۱۱: ۲۰-۲۷

باشد و هر روز زندگی‌اش از او پیروی کند. نشانه‌های مسیح در زندگی چنین شخصی باید به طور آشکار دیده شود. عیسی نمونه‌ای برای ماست:^۱ او به خاطر ما رنج کشید تا بتوانیم در اثر قدم‌هایش برویم.^۲ او نمونه‌ای به جهت نیکوکاری برای ماست.^۳

اعضای کلیسا اغلب اوقات یکدیگر را خواهر و برادر خطاب می‌کنند.^۴ آنها عضوی از اعضای خانواده الهی هستند.^۵

طبق رسالات کتاب مقدس، کلیساها معمولاً به نام اشخاصی که جلسات عبادتی در خانه‌شان تشکیل می‌شد، نامیده می‌شدند.^۶ گاهی اوقات مخالفین با بی‌رحمی به آنها القابی غریب نسبت می‌دادند. به طور مثال یکبار در زمان کلیسای رسولان آنها را به نام «دسته ناصری‌ها» خواندند.^۷ بعضی اوقات آنها به نام زیستگاه یا منطقه جغرافیایی خود

^۱ یوحنا ۱۳: ۱۵

^۲ اول پطرس ۲: ۲۱

^۳ اعمال رسولان ۱۰: ۳۸

^۴ یعقوب ۲: ۱۵

^۵ افسسیان ۳: ۱۴، ۱۵

^۶ رومیان ۱۶: ۵؛ اول قرنتیات ۱۶: ۱۹؛ کولسیان ۴: ۱۵؛ فلیمون ۲

^۷ اعمال رسولان ۲۴: ۵

خوانده می‌شدند یا حتی به نام رهبران خود خوانده می‌شدند. حال صرف نظر از نامی که به هر جمعی از آنها تعلق می‌گرفت، آنچه از اهمیت حیاتی برخوردار بود، اطاعت یا بی‌اطاعتی از ایمانی بود که یکبار به مقدسین سپرده شد.^۱

آیا همه کسانی که خود را مسیحی می‌نامند، پیروان تعالیم مسیح هستند؟

متأسفانه امروزه بسیاری از افراد در حالی از نام مسیحیت استفاده می‌کنند که حقیقتاً خصوصیات عیسی مسیح را به منصفه ظهور نمی‌رسانند. خیلی از افراد تصور می‌کنند که فیض خدا به آنها مجوزی می‌دهد تا بتوانند به گناهان خود ادامه دهند،^۲ و به جای ذات واقعی مسیحیت، تصویر غلطی در ذهن دیگر اشخاص به وجود آورده‌اند. امروزه برخی جنبش‌های سیاسی و کل جماعت یک ملت، خود را مسیحی می‌نامند. چنین چیزی واقعیت خارجی ندارد. عیسی مسیح،

^۱ یهودا ۳

^۲ یهودا ۴؛ رومیان ۶: ۱، ۲

حکومت دنیوی را رد کرد،^۱ و کسانی که به نام او اقرار دارند، باید از نمونه او پیروی کنند.

بعضی از پیروان عیسی نیت بسیار پاکی دارند و به علت عدم اطلاعات کافی یا به دلایل دیگر هنوز به طور کامل نقشه خدا برای ایمانداران را درک نکرده‌اند و ممکن است گاهی اوقات مرتکب اشتباهاتی کوچک یا بزرگ بشوند.^۲ اما خدا بسیار مشتاق است تا ایمانداران را توسط روحش به سوی حقیقت هدایت کند.^۳

کلیسا چطور از خود دفاع می‌کند؟

عیسی گفت: «پادشاهی من از این دنیا نیست، اگر بود، شاگردان من برای آن می‌جنگیدند.»^۴

یکی از رهبران کلیسای اولیه^۵ این‌طور نوشت:

«من از قید و بندهای قضایی، ارتشی یا مجلسی

دولت آزاد شده‌ام، دیگر برای خدمت به خلق، بی‌خوابی

^۱ یوحنا ۶: ۱۵

^۲ اعمال رسولان ۱۸: ۲۵، ۲۶

^۳ یوحنا ۱۶: ۱۳

^۴ یوحنا ۱۸: ۳۶

^۵ منظور ما از «کلیسای اولیه»، تقریباً ۹۰ تا ۳۲۵ بعد از میلاد مسیح است.

نمی‌کشم. دیگر وقت خود را صرف طرح‌ریزی نقشه‌های سیاسی نمی‌کنم، به دنبال مقام اداری نیستم، اشتیاقی برای تنفس هوای مسموم دنیای سیاست ندارم، در کنار صندوق رأی خبردار نخواهم ایستاد [در انتخابات منت رأی دهندگان را نخواهم کشید] و صندلی هیئت منصفه را برق نخواهم انداخت [چاپلوسی در جهت رسیدن به اهداف سیاسی]، قانونی را زیر پا نخواهم گذاشت و به وکلا رشوه نخواهم داد، هرگز به شغل قضاوت یا دادرسی نخواهم پرداخت، از انجام خدمت سربازی سر خواهم تافت، و میل نخواهم داشت که بر احدی سلطه‌رانی کنم- من از میدان سیاست این دنیا کناره‌گزیده‌ام. از اکنون به بعد تمام سیاست‌های من متمرکز بر دنیای روحانیت خواهد بود.^۱

در قرن شانزدهم یکی از شهرهای اروپا، توسط افراد مسلحی که ادعای مسیحیت داشتند، تسخیر شد.^۲ درست در همان زمان، در بخش دیگری از اروپا، جماعتی از

^۱ ترتولیان (۱۶۰-۲۲۰ بعد از میلاد مسیح)، دی پالیو، ۵

^۲ در سال ۱۵۳۰ میلیتنت آنا بیتیستز در شهر موانتر

ایمانداران می‌زیستند که در هر چیز عیسی را پیروی می‌کردند. این دو گروه به علت این که به یک نام خوانده می‌شدند و از نظر تعلیمی نیز وجوه اشتراکی داشتند، دولت به اشتباه این گونه تصور کرد که ارتباطی بین این دو گروه وجود دارد و ترسید که مبادا پیروان عیسی نیز شورش بر پا کنند. پس آن‌ا گروه صلح‌جو و آرامش‌طلب را از خانه‌هایشان بیرون انداخت و به محلی دور افتاده‌ای تبعید نمود. رهبر مسیحیان در اینبار چنین نوشت:

«اکنون این وادی بی‌آب و علف، فرش ما و آسمان، سقف بالای سر ما شده است. ما در این سختی‌ها صبر پیشه خواهیم کرد و خدا را حمد خواهیم گفت که ما را شایسته رنج کشیدن به جهت نام خود ساخته است... ما شب و روز به حضور خدا فریاد برمی‌آوریم که ما را از گزند آفات در امان بدارد و حفظ نماید. خود را به رحمت او می‌سپاریم، اویی که رهبر و محافظ ماست و او برای ما جنگ خواهد کرد...»

«ما در زیر گرمای سوزان می‌خواهیم و برای هیچکس وحشتی ایجاد نمی‌کنیم. ما هیچکس حتی بدترین

دشمنانمان را نیز ضرری نمی‌رسانیم... تمامی هستی و افعالمان در پیش نظر دیگر مردمان آشکار است. و بر شما مبرهن است که ترجیح می‌دهیم صدها سکه طلا از دست بدهیم تا این که بخواهیم دیناری از کسی بدزدیم. ترجیح می‌دهیم که صدمه ببینیم یا جانمان را بستانند و ما را بکشند ولی حتی با دست ضربه‌ای هم به پشت کسی (حتی بدترین دشمنانمان) نزنیم - تا چه رسد به این که بخواهیم مانند دنیا تیغ‌ها، شمشیرها و تبرها به دست بگیریم.»

«همانطور که می‌دانید، ما هیچ اسلحه، نیزه و یا تفنگی نداریم. خلاصه کنم، پیغام ما، کلام ما، زندگی و رفتار ما سخنگوی این است که در حقیقت و عدالت قدم برمی‌داریم و در اتحاد با یکدیگر حیات را به سر می‌بریم، درست مانند پیروان حقیقی مسیح، اعلانیتاً به حضور همگان سخن می‌گوییم و از نحوه زندگی خود شرمسار نیستیم، ما را از سخن گفتن با دیگران در خصوص ایمانمان ابایی نیست. در واقع تاخت و تاز دیگران بر ما، آنقدر آزار دهنده نیست زیرا که مسیح

مدتها پیش به وقوع این امور نبوت نموده بود. از ابتدای دنیا نیز وضع بر همین منوال بوده است. عیسی و شاگردانش نیز به همین نهج رنج کشیدند.^۱

کلیسا به مدد کلام خدا از خود دفاع می‌کند. کلام خدا زنده و مقتدر و برنده‌تر از هر شمشیر دو دم است. کلام خدا ممیز افکار و نیت‌های قلبی ماست.^۲ در کلیسای اولیه هنگامی که پیام رنج و قیام مسیح موعظه می‌شد، اقتدار و تاثیرش آنقدر شدید بود که واعظان کلام به ایجاد آشوب و یاغیگری متهم می‌شدند، گویی که دنیا را زیر و رو کرده‌اند!^۳ پس با این حساب در پادشاهی خدا، همه چیز برعکس روال معمول دنیاست.

دنیا سعی می‌کند با قدرت شیطان، به طرق مختلف، کلیسا را نابود کند. بعضی اوقات شیطان مانند شیری غران ظاهر می‌شود؛^۴ و در باقی اوقات به شکل فرشته نور در

^۱ جیکوب هاتر، ۱۵۳۵، هاتریسچن اپیستلن

^۲ عبرانیان ۱۲:۴

^۳ اعمال رسولان ۱۷:۱-۹

^۴ اول پطرس ۵:۸

می‌آید.^۱ بعضی اوقات پادشاهی دنیا به چشم ایمانداران دوستانه می‌نماید. امروزه [در بیشتر نقاط] دنیا علناً ایمانداران را مورد جفا قرار نمی‌دهد ولی آنان را با جلوه‌های غیرالهی این دنیا فریب می‌دهد. دنیا آنها را با لذت‌های گناه‌آلود شیفته می‌سازد؛ ثروت‌ها، زرق و برق‌ها، مُدها، پوشش‌های آنچنانی و رویاهای فنا ناپذیری. اگر کسی بدین گونه با دنیا دوستی کند، دشمن خدا خواهد بود.^۲ گاهی اوقات کلیسا، محبت اولیه خود به خدا را فراموش می‌کند و به آرامی به خواب فرو

می‌رود. در این صورت اگر کلیسا توبه نکند، بالاخره روزی خواهد رسید که جایگاه خود را به عنوان کلیسایی در پادشاهی خدا از دست خواهد داد.^۳

«ای زانیات، آیا نمی‌دانید
که دوستی دنیا، دشمنی
خداست؟ پس هر که
می‌خواهد دوست دنیا باشد،
دشمن خدا گردد»
(یعقوب ۴:۴)

برای جلوگیری از چنین هلاکتی، کلیسا باید دائماً با تعالیم و موعظه‌های روشن‌گرانه، اذهان اعضاء را بیدار نگاه دارد

^۱ دوم قرن‌تین ۱۱:۱۴

^۲ یعقوب ۴:۴

^۳ مکاشفه ۲:۱-۵

تا آنچه که توسط انبیاء مقدس موعظه شده بود و دستورات رسولان را به یاد داشته باشند.^۱ اگر کسی تعلیمات کلام خدا را اطاعت نکند و در زندگی روزمره، آنها را به مرحله اجرا درنیاورد، کلیسا باید راه درست را به آن شخص گوشزد کند و در صورت رویارویی با عناد، او را از جماعت کلیسایی اخراج کند. (ولی کلیسا نباید شخص اخراجی را همچون دشمن بداند، بلکه همچون برادری او را نصیحت کند).^۲ اندکی خمیرمایه فاسد، تمامی خمیر را فاسد می‌سازد [یک بُز گر، تمامی گله را گر می‌کند]. اگر یک تعلیم غلط و یک گناه کوچک در جماعت ایمانداران راه یابد، آنچنان رشد می‌کند که تمام کلیسا را آلوده خواهد ساخت.^۳

جماعت کلیسایی هر چند مدت یکبار برای گرفتن عشاء ربانی - خوردن نان و نوشیدن شراب به یادبود خون ریخته شده و بدن مجروح خداوند و نجات دهنده‌شان - گرد هم می‌آیند.^۴ اگر کسی مرتکب گناهی شود و یا به هر حالتی از

^۱ دوم پطرس ۳: ۱-۹

^۲ دوم تسالونیکیان ۵: ۶

^۳ غلاطیان ۵: ۹؛ اول قرنتیان ۵: ۶

^۴ اول قرنتیان ۱۰: ۱۶، ۱۷

گوش فرادادن به نصایح کلیسا^۱ سرباز زند، نباید اجازه داشته باشد که از نان و شراب شام خداوند بگیرد. بدین شکل شخص گناهکار نسبت به گناه خود هشیار می‌شود و از آن توبه می‌کند و رابطه‌اش با خداوند و کلیسا احیاء می‌شود. پس کلیسا هم از گناه آشکار در امان خواهد بود و در خطر ویرانی قرار نخواهد گرفت.^۲

کلیسا چطور رشد می‌کند؟

مهد کلیسا در اورشلیم، در خاورمیانه است. عیسی قبل از این که به آسمان صعود کند، به شاگردانش گفت که به اقاصا نقاط دنیا بروند، انجیل را به همگان موعظه کنند و دستورات او را تعلیم دهند.^۳ از آن تاریخ تا به امروز، انجیل موعظه شده است تا افراد بیشتری به سوی خدا بیایند. قوم خدا هر جا که بروند به او شهادت می‌دهند،^۴ چه توسط کلام، چه

^۱ متی ۱۸: ۱۵-۱۸

^۲ اول قرنتیان ۵

^۳ مرقس ۱۶: ۱۵؛ متی ۲۸: ۱۹، ۲۰

^۴ اعمال رسولان ۸: ۱، ۴

با اعمال.^۱ اعمال نیکوی آنها همچون نوری بر این دنیا می‌تابد.^۲

کشته شدن مسیحیان در راه ایمانشان، شهادت‌یست که به رشد کلیسا منجر می‌شود. یکی از رهبران کلیسای اولیه خطاب به مخالفین کلیسا این‌طور نوشت: «هر چه بیشتر از ما می‌کشید، تعداد ما بیشتر رو به فزونی می‌نهد. خون مسیحیان، بذریست که شما آن را می‌کارید.»^۳

عامل دیگری که به رشد کلیسا می‌انجامد، تعلیم، تربیت و پرورش فرزندان مطابق اصول ایمان مسیحی در خانواده است.^۴ کودکانی که در خانه‌ای پر از عشق و محبت مسیحی و همراه با تغذیه روحانی و تنبیهات درست رشد می‌کنند^۵، به احتمال قوی وقتی بزرگ شوند، پیروان عیسی خواهند شد.

در ضمن والدین مسیحی باید فرزندان خود را کتاب‌خوان، بار بیاورند تا در آنها اشتیاق مطالعه کلام خدا به وجود آید. والدین مسیحی غالباً آنقدر نگران فرزندان‌شان

^۱ اول تیموتائوس ۱۲:۴

^۲ متی ۱۶:۵؛ اول پطرس ۱۲:۲

^۳ ترتولیان، برگرفته از جاده مهاجرت، دیوید دابلیو برکوت

^۴ امثال ۱۵:۶، ۲۲:۱۵؛ عبرانیان ۱۲:۶-۱۰

^۵ افسسیان ۴:۶

هستند که حتی آنهایی که در زندان بوده‌اند، قبل از شهید شدن برای کسانی که مسئولیت مراقبت از فرزندان‌شان را به عهده داشتند، تعالیمی به جا گذاشتند:

«به بچه‌های یتیم کوچک من مثل دیگر یتیمان، محبت کن، همان طور که مرا محبت نمودی، خواندن را به آنها بیاموز و در وقت کامل، آنها را به عمل کردن به آموخته‌هایشان ترغیب نما.»^۱

«و اکنون روی سخنم با بچه‌هاست: جوز، هانسکن و باربرتگن، به همراه خواهر مطیعتان از سه خواهر کوچک خود و پیرتکن به خوبی مراقبت کنید و به آنها یاد بدهید که کار کنند تا با درستی و افتخاری که در خدا و نجات اوست، رشد یابند. با دست‌های خود زحمت بکشید، که مایه سربلندی شما خواهد بود و سخنان یکی از رسولان را به یاد آورید که می‌گوید: «بخشیدن از

^۱ نامه‌ای از متیاس سرواس (در زندان)، به دیگر خواهران و برادران در کلیسا، سال ۱۵۶۵ نقل از آئینه شهیدان، صفحه ۶۹۷

گرفتن، فرخنده‌تر است.»^۱ تا با بی‌کاری و بیهودگی،
باری بر کسی ننهاده باشید.^۲

اشتیاق والدین و کلیساهای کوشا بر این است که
فرزندانشان همه وقت و همه جا در حال آموختن ارزش‌های
الهی باشند،^۳ درست مثل شاگردی که در حال فراگرفتن متون
درسی ادبیات، جغرافیا و تاریخ است. آنها برای چنین
معیارهایی بیشتر از هر مدرک تحصیلی دیگر در این دنیا
(ملکوت زمینی) ارزش قائلند؛ آنها به احترامی که انسان‌های
دیگر برایشان قائلند فکر نمی‌کنند بلکه احترامی که فقط از
جانب خدا می‌آید.^۴

عیسی گفت: «و من
اگر از زمین بلند کرده
شوم، همه را به سوی
خود خواهم کشید»
(یوحنا ۱۲: ۳۲).

پیروان مسیح به خاطر شیوه
الهی زندگیشان، نور و نمک این
جهانند. آنان مانند شهری هستند
که بر فراز تپه‌ای بنا شده است و

از نظرها پنهان نیست.^۱ انسان‌های دیگر با دیدن زندگی و

^۱ اعمال رسولان ۳۵:۲۰

^۲ از نامه‌ای به قلم ژوریس وایپ (در زندان) خطاب به فرزندانش، سال
۱۵۵۸. نقل از آئینه شهیدان، صفحه ۷۷۵

^۳ تثنیه ۷:۶

^۴ یوحنا ۵: ۴۱-۴۴

شهادت آنها به سوی عیسی جذب می‌شوند، عیسایی که راه و راستی و حیات است.^۲ عیسی همه انسان‌ها را به سوی خود می‌کشانند.^۳

قبل از آمدن عیسی، انبیاء و شریعت، تحت تأثیر عهد قدیم (عتیق) خدا با انسان‌ها قرار داشتند. ولی با آمدن عیسی

«و از این جهت
او (عیسی) متوسط
عهد تازه‌ای است»
(عبرانیان ۹: ۱۵).

تمام شریعت به تحقق پیوست و تکمیل شد.^۴ عهد جدید همان نقشه خدا برای زندگی امروز انسان است و از زمان مرگ عیسی به بعد، زندگی ما را

تحت تأثیر قرار داده و می‌دهد.^۵ از آن زمان تا به حال، پادشاهی خدا دائماً اعلام شده است و انسان‌ها وارد حیطه ملکوت (پادشاهی) خدا می‌شوند.^۶ کلیسا بدین نحو در طول تمام نسل‌ها جاودانی شده است و سلطنتیست که دست یاری به سوی دیگران می‌یازد...

^۱ متی ۱۴: ۱۲-۵

^۲ یوحنا ۴۱: ۵-۴۴

^۳ یوحنا ۱۲: ۳۲

^۴ متی ۱۷: ۵

^۵ عبرانیان ۱۴: ۹-۱۷

^۶ لوقا ۱۶: ۱۶

۳. به تمامی عالم

از آنجایی که کلیسا تا اقصا نقاط دنیا گسترش یافته است و به فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف دنیا راه پیدا کرده است، معمولاً کلیساهای محلی به عنوان اعضای بدن مسیح برای

«که همان خداوند، خداوند
همه است و دولت‌مند است
برای همه که نام او را
می‌خوانند»
(رومیان ۱۰: ۱۲).

همکاری و تاثیر بیشتر، به صورت تشکلهای سازمان یافته با یکدیگر در ارتباط هستند. رهبران کلیساها بر

طبق اصول کتاب مقدسی برای بررسی و حل مسائل امروزی کلیسا که کلیسای اولیه نیز با آن دست به گریبان بود،^۱ با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.^۲

این موضوع کاملاً طبیعیست که در یک کلیسا یا در بین کلیساهای، با وجود عشقی که به خداوند دارند، در بعضی موارد اختلاف نظر به وجود بیاید، مخصوصاً در مواردی که کلام خدا حکم واضحی ابراز نداشته است. این مشکل در زمان رسولان نیز گاهی اوقات پیش می‌آمد. هنگامی که پولس

^۱ اعمال رسولان ۱۵: ۲

^۲ اول قرنتیان ۱۲: ۴-۶

و برنابا بر سر این که چه کسی را برای سفر بشارتی با خود ببرند، بحث داشتند، اختلاف نظرشان بر سر این موضوع آنقدر شدید بود که تصمیم گرفتند از یکدیگر جدا شوند و هر یک راه خود را در پیش گرفتند!^۱ در مواردی که اختلاف نظر شدید است و دو برادر به نتایج کاملاً متفاوتی دست می‌یابند، در عین حال باید با ادب و احترام با یکدیگر رفتار کنند.^۲ در جای دیگری از عهد جدید پولس رسول در مقابل پطرس ایستاد چرا که از نحوه رفتار او با دیگر ایمانداران ناراضی بود.^۳ پس کلیسا بدین طریق می‌توانست به مرجعی استناد و توسط آن مشکلات را حل کند.

چون پادشاهی خدا تمامی دنیا را در برمی‌گیرد، مسلماً در هر نقطه از دنیا، ایماندارانی هستند که برای ایمانداران آنسوی دنیا ناشناس هستند.^۴ با این حال هنگامی که آنها با یکدیگر ملاقات می‌کنند، درمی‌یابند که وجوه مشترک بسیاری

^۱ اعمال رسولان ۱۵: ۳۵-۴۱

^۲ اول پطرس ۲: ۱۷

^۳ غلاطیان ۲: ۱۱، ۱۲

^۴ غلاطیان ۱: ۲۲، ۲۱

در بین آنها هست چرا که هر دوی آنها یک خداوند و یک انجیل را پیروی می‌کنند.^۱

یکی از انبیاء قطعه‌ای تمثیلی در وصف زمانی نگاشت که پادشاهی خدا تبدیل به کوهی عظیم شده و تمام دنیا را پر کرده است.^۲ عیسی پادشاهی خدا را به بذر کوچکی تشبیه کرد که وقتی بروید به درخت بزرگی تبدیل خواهد شد.^۳ همچنین خمیر مایه اندکی که مقدار زیادی خمیر را مخمر می‌سازد، یعنی هر جا که باشد، تاثیر عمیقی از خود به جا خواهد گذاشت.^۴ عیسی گفت: «وقتی که این انجیل در تمامی جهان، به همه قوم‌ها موعظه شود، زمان آخر فرا خواهد رسید.»^۵

^۱ رومیان ۱۰:۱۲؛ غلاطیان ۳:۲۸

^۲ دانیال ۲:۳۱-۴۵

^۳ متی ۱۳:۳۱، ۳۲

^۴ متی ۱۳:۳۳

^۵ متی ۲۴:۱۴

نقشه نهایی و هدف فوق العاده کلیسا چیست؟

هدف کلیسا آشکار نمودن جلال خداست. همچنین موعظه، امر و نهی و تعلیم در محبت^۱ تا هر انسانی در حضور عیسی مسیح در نهایت کمال حاضر شود.^۲ هدف نهایی این است که انسان‌ها هر چه بیشتر و بیشتر توسط خون عیسی از گناه خود پاک شوند^۳ و بتوانند زندگی مقدسی داشته باشند^۴ تا بتوانند وارد...^۴

^۱ افسسیان ۱۵:۴

^۲ کولسیان ۲۸:۱

^۳ اول پطرس ۱:۱۸-۲۱

^۴ اول پطرس ۱:۱۵، ۱۶

۴. پادشاهی جاودانی در آسمان

پولس رسول اینطور نوشته است: «کل خانواده زمینی و آسمانی.»^۱ این خانواده تمامی ایمانداران عهد عتیق مثل نوح و ابراهیم را که در ایمان مردند،^۲ در برمی‌گیرد. آنها اعلام

کردند که بر روی این زمین غریبه و مسافرنده و مشتاق وطنی نیکوتر بودند.^۳ این گفته، همه مقدسینی را نیز که فوت شده‌اند و به پاداش جاودانی خود رسیده‌اند، در بر می‌گیرد،^۴ و نیز همه مقدسینی که اکنون در این

«تمامی این اشخاص در ایمان مردند، بدون این‌که صاحب برکات موعود شوند، اما انجام وعده‌ها را از دور دیده و با شادی در انتظار آنها بودند و به این حقیقت شهادت دادند که در این جهان غریب و بیگانه‌اند»
(عبرانیان ۱۱: ۱۳).

دنیا زندگی می‌کنند. از دید خدا همه آنها بخشی از خانواده و پادشاهی او هستند.

^۱ افسسیان ۳: ۱۴، ۱۵

^۲ عبرانیان ۱۱: ۷-۱۰

^۳ عبرانیان ۱۱: ۱۳-۱۶

^۴ دوم قرنتیان ۵: ۱

عده این برگزیدگان آنقدر اندک است که گله کوچک ایمانداران نامیده شده‌اند، ولی وقتی تمام مقدسین همه اعصار در بهشت با یکدیگر جمع شوند، آنقدر تعدادشان زیاد خواهد بود که نمی‌توان آنها را شمرد، آنها از تمام قوم‌ها، نژادها و زبان‌ها خواهند بود.^۱

زمان بازگشت ثانوی مسیح، تمام کسانی که در ایمان فوت شده‌اند، از مردگان برخوانند خواست. عیسی پادشاهی خود را به پدر تسلیم خواهد نمود.^۲ تمام ایماندارانی که زنده هستند، ربوده خواهند شد تا او را در آسمان ملاقات کنند و تا ابد با خداوند خواهند بود.^۳ همه مقدسین در آنجا تا ابدالابد خالق خود را پرستش خواهند نمود،

«ای خداوند و خدای ما،
تو تنها شایسته‌ای که
صاحب جلال و حرمت
و قدرت باشی زیرا همه
چیز را تو آفریدی و به
اراده تو، آنها هستی و
حیات یافتند»
(مکاشفه ۴: ۱۱).

زیرا او شایسته دریافت جلال و اکرام و قدرت است.^۴

^۱ مکاشفه ۹: ۷

^۲ اول قرنتیان ۲۴: ۱۵

^۳ اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸

^۴ مکاشفه ۴: ۱۰، ۱۱

بهشت مکان زیبایی است. کلمات انسانی قادر به بیان کامل جلالی نیست که برای دوستداران و خادمان خدا مهیا شده است. غم و اندوه، گریه و درد هیچ راهی به بهشت ندارند. تمام غم‌ها و امتحانات زندگی گذشته ما پشت سر گذاشته خواهد شد.^۱ در آنجا دیگر نیازی به خورشید نخواهیم داشت چرا که جلال خدا و بره (پسر خدا) نور بهشت خواهد بود. در بهشت شب وجود ندارد.^۲ با تاسف باید اقرار کرد که ماجرای کاملاً متفاوت در انتظار کسانی خواهد بود که برای پادشاهی دنیا زندگی کردند و آن را خدمت نمودند. نوشته شده است که دود آتش عذابشان تا به ابد بالا خواهد رفت و شب و روز برایشان راحت نخواهد بود.^۳

بهشت به تمام رنج‌هایی که شاگردان عیسی با آن دست به گریبان هستند، می‌ارزد. هنگامی که استیفان شهید در حال جان دادن بود، توانست به آسمان نگاه کند و عیسی را به

^۱ مکاشفه ۴:۲۱

^۲ مکاشفه ۲۳:۲۱

^۳ مکاشفه ۱۱-۸:۱۴

دست راست خدا ایستاده ببیند. عیسی در آنجا ایستاده بود تا روح استیفان را به بهشت ببرد.^۱

باشد که ما به فیض خدا در دسته کسانی باشیم که دستوراتش را به عمل می‌آورند، که از دریافت میوه درخت حیات بهره‌مند شویم و بتوانیم از دروازه‌ای که شهر بهشت را به روی ما می‌گشاید، عبور کنیم.^۲

«جلال بر خدایی باد که قادر است به وسیله آن قدرتی که در ما کار می‌کند، خیلی بیشتر از آنچه ما بخواهیم و حتی تصور کنیم، عمل کند. بر او نسلاً بعد نسل تا به ابد در کلیسا و در مسیح عیسی جلال باد، آمین.»^۳

^۱ اعمال رسولان ۷: ۵۴-۵۹

^۲ مکاشفه ۲۲: ۱۴

^۳ افسسیان ۳: ۲۰، ۲۱

ای پدر ما که در آسمانی، نام
تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید.
اراده تو چنانکه در آسمان است،
بر زمین نیز کرده شود. نان کفاف
ما را امروز به ما بده. و
قرض‌های ما را ببخش چنانکه ما
نیز قرضداران خود را می‌بخشیم.
و ما را در آزمایش میاور، بلکه
از شریر رهایی ده. زیرا ملکوت و
قوت و جلال تا ابدالآباد از آن
توست، آمین